



شهید سید حسین علم الهدی در یک خانواده روحانی سال 1337 به دنیا آمد مجاهد مرحوم،

آیت الله سید مرتضی علم الهدی پدرش بود. حسین فراغیری قرآن را از 6 سالگی شروع کرد تشكیل کتابخانه، جلسات تدریس قرآن در مساجد اهواز از فعالیتهای 11 سالگی او بود.

روزها در مدرسه و چند کلاس قرآن را شب ها تدریس می کرد. پیر و جوان به کلاس هایش جذب شدند. رقصه های مصری در هنگام نمایش در سیرک اهواز با حادثه عجیب رویه رو

شدند. در 14 سالگی سیرک را به طوری که به هیچکس آسیب نرسد آتش زد. سر کلاس درس او را دستگیر کردند. مدق او را در سلوی انفرادی شکنجه کردند. آزاد که شد مدرسه او را با تعهد پذیرفت. پس از آزادی از زندان جدی تر و مبارزتر شد. انجمن اسلامی تشکیل

داد و سخنرانی کرد. دیپلمش را که گرفت در ابتدا دانشگاه او را به خاطر سابقه مبارزاتیش نپذیرفت. آموختن برای او فرق نمیکرد که در خانه باشد یا دانشگاه. در اهواز کلاس تفسیر

نهج البلاغه راه انداخت. در رشته تاریخ دانشگاه مشهد مجددا پذیرفته شد. در کلاس اهل

بحث و درگیری لفظی بود. استادان جی و شاهنشاهی در هر کلاس که حسین علم الهدی شرکت میکرد، نمی رفتند. گارد دانشگاه را آتش زد. از دانشگاه به طبع رفت تا به زلزله

زدگان کمک کند. با ورود شاه و همسرش در این شهر تظاهرات عظیمی راه اندازی کرد. با شروع جنگ تحملی عراق به عنوان مسئول با نظم دقیق روزانه صد ها نفر را اعزام میکرد. با این وجود روزی یک ساعت به رادیوی اهواز می رفت و برنامه ای پیرامون غزوات پیغمبر (ص) اجرا کرد که باعث

تشویق مردم علیه کفر بود. دیگران اصرار میکردند که حسین تو باید در اهواز بمانی، میگفت تنها نمیشود باید به هویزه بروم. کمتر از یک ماه فرمانده سپاه هویزه شد. دی ماه 1359 شهید علم الهدی به همراه 60 تن از پاسداران به عنوان گروه پیشتاز عازم جنگ شد. پس از ساعتی مبارزه با دشمن بر اثر اتمام

مهماز و تشنگی و گرسنگی یکی یکی برادران به شهادت می رستند که آخرین آنها شهید حسین علم الهدی بود. که چندین تانک را به تنهایی منهدم کرد و سپس با فریاد الله و اکبر در حالی که قرآن را در دست داشت شهید گی شود.

مدیر اجرایی و روابط عمومی : کیانوش زارع

مدیر مسئول : یاسمین صبوری دارابی

سر دبیر : نیلوفر ساجدی

نویسنده : نیلوفر راهدی

شماره یازدهم \_ سال دوم

۱۴۰۲ ماه

